

نور:

مزون نور

در خدمت همشهریان عزیز

دوخت فرم مدارس متوسطه اول و دوم
شامل ماتو، شلوار، مقنعه و انواع شومیز
سفارش همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۴ - میر مجیدی

۰۹۳۹۳۰۱۶۱۷۲ - ۰۱۷۳۲۲۲۴۸۰۲
nozhaa_collection

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۲۵ مهر ماه ۱۴۰۳ / سال بیست و ششم / شماره ۲۸۵۷ / صفحه ۲۵۰۰ تومان

گلستان نیازمند نصب

سیستم نیروگاه زیانه سوز است



۲

سند مالکیت زمین های کشاورزی
یک روستا صادر شد



۲

از قلم تا قدم



۳

یادداشت اول

روز جهانی ریشه کنی فقر

با مسوولیت سردبیر

بیست و ششم مهر ماه روز جهانی ریشه کنی فقر است. نگاهی به آمارهای معمولی که در فضای مجازی نیز در دسترس است، نشان می دهد بیش از سی درصد از جمعیت ایران تا ۱۴۰۲ زیر خط فقر زندگی می کرده اند. آماري که امروزه قطعاً بیشتر شده است و با آنکه از زمان ایه اله هاشمی رفسنجانی تا به اکنون به صورت گاه و بی گاه روسای جمهور مدعی ریشه کنی فقر در کشور بوده اند اما هیچ یک از دولت‌ها نتوانسته اند دامنه گسترش فقر را محدود نمایند. هر یک نیز البته دلایل قابل قبولی هم شاید داشته اند اما در این مجال بحث آن است که ملت ایران هر روز فقیرتر شده است و فقر اگر چه ممکن است پدیده ای برای امروز باشد اما تأثیرات آن نسل به نسل و پشت در پشت ادامه خواهد داشت. نسل فقیر امروز توان تربیت و نگهداری فرزندان خود را نخواهد داشت و چون امکان تربیت و ارتقا فرزندان را ندارد، ترجیح می دهد زندگی را در تنهایی سر نماید، آن گاه سن ازدواج افزایش می یابد و دهها افت دیگر جامعه را با خود درگیر می کند. از سویی آنها که صاحب خانواده هستند، نمی توانند از پس معیشت بر آیند، دنیای امروز هزینه های غیرقابل پیش بینی را با خود آورده است و به همین خاطر معیشت را سخت و سخت تر کرده است، نگاهی به وضعیت عمومی اقتصاد ایران، نشانگر اقتصاد راکد و افسرده ای است که باید به آن سامان داد. این البته غم نامه ای برای تمام ایران است اما در گلستان با وضعیت درآمد سرانه بسیار پایین تر از سطح ملی، شهروندان به صورت طبیعی فقیرتر از شهروندان ایران زمین هستند، پایین بودن درآمد سرانه و فاصله ضریب جینی با اندازه استاندارد جهانی و کشوری نشان می دهد گلستان راه سختی برای بقا در پیش دارد و چنانچه سیاستهای ملی و استانی اصلاح نشود و مدیران کاردان و صاحب دانش بکار گرفته نشوند، شهروندان گلستانی هر روز فقیرتر از روز قبل خواهند شد.



خسته از
چشم‌پسته

« ۸ »



کلزای علوفه ای انتخاب هوشمندانه
بخش دامپروری

« ۷ »



گزین گویه‌هایی
از مهدی فاضل

« ۷ »

آب خاک پنبه



بین می رود. هرچند اندام های ورزیده داشته باشد. در خاک ماده ی آلی نقش خون را در بدن بازی می کند. ایده ال این است که پنج درصد در خاک ماده ی آلی داشته باشیم در حالی که در کشور ما متاسفانه زیر نیم درصد است. یعنی یک دهم آنچه در حالت استاندارد باید باشد. در استان گلستان در سی سال گذشته مطالعات نشان داده که این ماده ی آلی رو به کاهش است، بخشی بخاطر آتش زدن بقایا و بخشی بخاطر برخورد نامناسب با خاک که عامل تخریب ماده ی آلی است...
ادامه در صفحه ۲

ادعاهایمان گوش فلک را کر کرده است. یک بار هم سازمان های نظارتی فقدان توجه به اصلاح الگوی کشت را به عنوان یک مساله بنیادین که زیست بوم گلستان را تهدید می کند در دستور کار قرار دهند تا پایدار شود هر که در او غش باشد.
درباره اهمیت خاک توضیح دهید؟
خاک بستر حیات است. ببینید در بدن ما متوسط پنج لیتر خون وجود دارد که اگر بدن ۱۰۰ کیلوگی را در نظر بگیریم این خون به هر دلیلی کم بشود توانایی های آن بدن از دست می رود و اگر خیلی کمتر شد از

شماره ۱۹۹۹) در گلشن مهر منتشر شده بود. در آن زمان تیتراژ گلشن مهر این بود (یک دهه با فاصله داریم) آن زمان هنوز ریزگرد برای مدیران ما شوخی بود و نمایندگان محترم مجلس دنبال قانونی کردن کشت شالی در گلستان بودند و ... اینک چند سال گذشته است، آنها فرو تر رفتند، بخشی از شالیزارهای شمال گرگان در آستانه شوره زاری است ولی هم چنان شالی می کاریم و آخرین رمق آبهای زیر زمینی را می گیریم و سیصد هزار هکتار بیابان را نادیده می گیریم و هم چنان در شعر و ظاهرسازی رتبه اول را داریم و

آیه اله نورمغیلی در دیدار با رئیس سازمان پنبه به نکته ای بنیادین در کشاورزی گلستان اشاره کرده است. ایشان خواسته است دلایل بی توجهی به کشت پنبه معلوم شود و علت حذف پنبه از چرخه کشاورزی گلستان ریشه یابی شود، در این باره بارها در گلشن مهر با کارشناسان این باره گو کرده ایم و هشدار داده بودیم، گفت و گویی که دوباره بخش هایی از آن برای مخاطبان منتشر می شود. گفت و گوی گلشن مهر با دکتر قربانعلی روشنی متخصص خاک و رئیس وقت سازمان پنبه است که در سال ۹۹/۲۱ اردیبهشت-

گلستان نیازمند نصب سیستم نیروگاه زباله سوز است



دومین جلسه در دفتر ساتبا با حضور پیمانکار برگزار شد که در این جلسه مدل‌های مالی سرمایه‌گذاری توسط مدیر کل دفتر توسعه نیروگاه‌های زیست توده بیان و مقرر شد سرمایه گذار طی مدت یک هفته آنالیز ارزی از طرح تهیه و ارائه کند. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گلستان با اشاره به اینکه از آخرین تکنولوژی روز دنیا برای احداث این زباله سوز استفاده خواهد شد، گفت: بر اساس ظرفیت زباله‌های استان گلستان، نوع زباله و شرایط آب و هوایی این زباله سوز فعال خواهد شد و امید است این سیستم در آینده نزدیک در استان راه اندازی شود تا بتوانیم فصل جدیدی در مدیریت پسماند استان در جهت رفاه و آسایش هم استانی‌ها خلق کنیم.

اهداف عالی به محیط زیستی و ارتقا روش‌های نوین دنیا این سازمان نخستین جلسه با حضور حسینی مدیر کل دفتر توسعه نیروگاه‌های زیست توده ساتبا (وزارت نیرو) و اعضا هیأت مدیره سازمان برگزار کرد که در این جلسه مکانیزم‌های حمایتی ساتبا برای جذب سرمایه‌گذاری در جذب زیست توده مورد بررسی قرار گرفت. وی در ادامه گفت: مطابق با مطالعات انجام شده و نظرات کارشناسی احداث هاضم بی‌هوازی جهت پسماند آلی و نیروگاه‌های زباله سوز جهت پسماندهای ریجکتی مورد نیاز است که هر دو سیستم قابلیت تولید برق و عرضه در بورس را دارد. ملک شاهکویی گفت: با توجه به اهمیت موضوع بلافاصله

گلستان نیازمند نصب سیستم نیروگاه زباله سوز است مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گلستان گفت: گلستان نیازمند نصب سیستم نیروگاه زباله سوز است. به گزارش روابط عمومی، حسن ملک شاهکویی اظهار کرد: روش‌های سنتی دفع زباله نمی‌توانند در جوامع امروزی و شهرها از کارایی لازم برخوردار باشند. در روش‌های سنتی معمولاً زباله‌ها از محل تولید جمع‌آوری شده و به محل‌های دیگری در خارج از شهر منتقل می‌شوند و در آنجا دفع می‌شوند از این رو این سازمان در جهت بهینه‌سازی و ارتقا مدیریت پسماند در استان به دنبال روش‌های جدید زباله سوز و غیره در این حوزه است. وی افزود: مدیریت پسماند به روش زباله‌سوزی از بهترین روش‌های متداول کاهش دفع زباله در دنیاست که از مزایای آن می‌توان به تولید انرژی برق، تولید مصالح ساختمانی با استفاده از خاکستر حاصل و در نهایت کاهش آلودگی‌های زیست محیطی علی‌الخصوص آلودگی محیط با شیرابه اشاره کرد. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند گلستان گفت: در همین راستا با به‌کارگیری متخصصین ذیربط و با دعوت از شرکت‌های پیمانکار این حوزه، کارشناسان و مدیران ارشد سازمان مدیریت پسماند جلسات متعددی به منظور هماهنگی و بررسی فنی مباحث پیرامون احداث پروژه برگزار شد. وی در خصوص وضعیت مدیریت پسماند در استان گفت: در حال حاضر در استان گلستان ۹۰۰ تن زباله به سایت‌های استان منتقل و بعد از پردازش دفع بهداشتی می‌شود. ملک شاهکویی خاطرنشان کرد: شیوه اصولی پردازش کاهش حجم فیزیکی بیولوژیکی است در این شیوه پسماندهای آلی طی فرایند هوازی به مواد آلی پایدار یعنی کمپوست تبدیل می‌شود لذا در راستای



هشت پروژه ورزشی آماده گشایش است

مدیرکل ورزش و جوانان گلستان گفت: هشت پروژه ورزشی استان شامل سه سالن سرپوشیده و پنج سالن روباز (چمن مصنوعی) در گرگان، گمیشان، وشمگیر آق‌قلا، گالیکش و بخش بهاران سرخندکلاته همزمان با هفته تربیت بدنی آماده گشایش است. به گزارش روابط عمومی، قاسمعلی برزیمینی در آستانه فرارسیدن هفته تربیت بدنی و ورزش (۳۱ مهر تا دوم آبان) اظهار کرد: قدمت برخی از این هشت سالن ورزشی از یک دهه نیز بیشتر است. وی با اشاره به اینکه ۳۱۰ میلیارد ریال برای بهره‌برداری از این پروژه‌ها هزینه شد، افزود: همچنین ۲۵ خانه ورزش روستایی در نقاط مختلف گلستان با آماده کردن ابزار لازم برای بکارگیری ورزش دوستان گشایش خواهد یافت. مدیرکل ورزش و جوانان گلستان از پیش‌بینی اجرای ۵۰۰ برنامه فرهنگی و ورزشی ویژه هفته تربیت بدنی در شهرها و روستاهای استان نیز خبر داد و گفت: جشنواره و مسابقات فرهنگی و ورزشی در شهرستان‌های استان برگزار می‌شود و علاوه بر آن، گلستان در این هفته میزبان مسابقات کاراته کشوری در آزادشهر و کشتی گورش ترکمن در سیمین شهر است. وی افزود: در نخستین روز هفته تربیت بدنی (۳۱ مهر) ورزش صبحگاهی با حضور مسئولان در بیشتر نقاط استان گلستان برگزار می‌شود که در گرگان ورزشگاه آزادی شماره یک میزبان بانوان و شماره ۲ میزبان آقایان است. وی گفت: گلستان ۷۳ هزار ورزشکار سازمان یافته در ۵۱ رشته ورزشی دارد که ۱۵۰ نفر از آنان ملی‌پوش هستند. مدیرکل ورزش و جوانان گلستان افزود: کبلی، والیبال، بسکتبال، شطرنج، ژیمناستیک، رزمی، فوتبال، کشتی، ووشو، کاراته، تکواندو، اسکواش، جاتبازان و توانیابان، ناشنویان و والیبال ساحلی از رشته‌های شاخص استان محسوب می‌شود.

ترغیب تمامی بهره‌برداران کشاورزی برای دریافت سند مالکیت کشاورزی و تحقق پوشش استفاده خواهد شد. وی با بیان این که اکنون ۵۴ درصد از زمین‌های کشاورزی استان دارای سند مالکیت کشاورزی است، گفت: از میان شهرستان‌های استان، ۳ شهرستان گنبدکاووس، کردکوی و گمیشان در صدور سند مالکیت زمین کشاورزی دارای عملکرد بالای ۷۰ درصد هستند. به گفته وی در گلستان ۵۶۰ هزار هکتار زمین کشاورزی قابل دریافت سند مالکیت وجود دارد که تاکنون برای ۵۴ درصد آن با هدف حفظ کاربری اراضی کشاورزی و تامین امنیت غذایی پایدار، سند مالکیت کشاورزی صادر شده است.

مدیریت امور اراضی کشاورزی گلستان یادآور شد: برای آگاهی بهره‌برداران استان در روند دریافت سند مالکیت کشاورزی، اطلاع‌رسانی با توزیع کتابچه، دیدار چهره به چهره با استفاده از ظرفیت نیروهای طرح شهید سلجانی در حاشیه برگزاری دوره‌های آموزشی کشاورزی، قرارگاه صدور سند مالکیت کشاورزی در استان انجام شده است. وی ادامه داد: علاوه بر این، از ظرفیت شورای حفظ حقوق بیت‌المال استان و تاکید دادستان مرکز استان که هیات‌ار را موظف کرده ماهانه ۱۵ پرونده را برای دریافت سند مالکیت کشاورزی در سامانه ثبت نموده و کاروان ترویجی و آموزشی جهاد کشاورزی در

زمین کشاورزی در روستای خرم آباد کردکوی بعد از اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول از سوم تیر سال ۱۴۰۳ بوده که با همکاری ادارات ثبت اسناد و جهادکشاورزی در شهرستان و استان انجام و سند مالکیت کشاورزی تحویل بهره‌برداران شد. وی هویت‌دار شدن زمین‌های کشاورزی، حذف اختلافات مالکیتی، افزایش بهره‌وری در تولید محصولات کشاورزی، اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی زمین کشاورزی و برخورداری از سامانه آبیاری با فشار را از جمله مزایای صدور سند مالکیت کشاورزی برشمرد. افسری به عملکرد ۶ ماه نخست در ثبت پرونده از سوی بهره‌برداران در سهاک (سامانه) حلنگاری اراضی کشاورزی اشاره کرد و گفت: در این بازه زمانی، ۶ هزار پرونده در سهاک ثبت شده که تاکنون با صدور سند مالکیت ۸۸ درصد پرونده‌ها موافقت شده است. وی گفت: بهره‌برداران کشاورزی در گلستان بعد از ایجاد سامانه سهاک، ۲ سال فرصت دارند که ملارک ادعای مالکیت خود را در این سامانه ثبت کرده تا پس از بررسی کارشناسان مرتبط، نسبت به صدور سند مالکیت کشاورزی اقدام شود. معاون توسعه و ساماندهی

سند مالکیت زمین‌های کشاورزی یک روستا صادر شد

معاون توسعه و ساماندهی مدیریت امور اراضی گلستان گفت: بهره‌برداران روستای خرم‌آباد از توابع شهرستان کردکوی به عنوان نخستین روستای استان دارای سند مالکیت (تک برگه) زمین کشاورزی شدند. به گزارش روابط عمومی، آرزو افسری اظهار کرد: صدور ۷۰ قطعه سند مالکیت برای ۳۳۰ هکتار

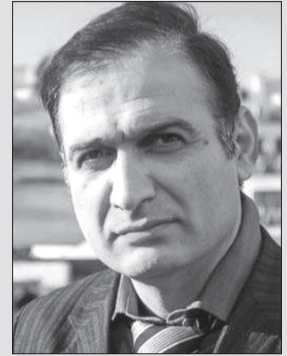


گلشهر

۰۱۷۳۳۲۲۴۴۳۰۲

از قلم تا قدم

هوای تازه در فضای ادبی گرگان



عباس فرهادی (لوکال)

انجمن‌های ادبی کلاسیک ما نگاه بسته و کهنه و نیز تا حدودی متعصبانه به مولفان کهن دارند و خیلی وقت‌ها شبیه کلاس‌های دانشسراهای قدیم به داستان‌پردازی و فال حافظ گرفتن و کلی‌گویی و تمجیدها می‌پردازند و کمتر به کالبدشکافی شعری می‌کوشند و کمتر به نقدهای علمی براساس واقع‌گرایی‌ها می‌پردازند و با نگاه مصلحتی خوشبینانه به توجیهات شعر و شاعر خیره می‌شوند و البته شاید لذت گل و پروانه‌ی آهنگین را با تعریف عادت‌ی از حظ شعری دارند؛ اما در عین حال نقش نسبتاً خوبی هم در زنده‌نگه‌داشتن میراث گذشتگان را فعلاً به عهده دارند. و از سویی گاهی با پرورش یا تشویق‌های بجای نسل نونهال شعرخوان علی‌الخصوص حافظ‌خوانان به انتقال فرهنگ اصیل هم کمک می‌کنند. البته انجمن‌های ادبی پیشرو بخصوص نئوکلاسیک‌ها هم تازگی‌ها بخصوص در مناسبت‌ها برنامه‌های تلفیقی با این انجمن‌های سنتی می‌گیرند و از پیشکسوتان و مدیران آنها در اجراها هم استفاده می‌کنند که حالا این روش اگرچه گاهی با مخاطبان نواندیش به لحاظ کیفیت سازگاری ندارد و حوصله‌ی جوانان را سر می‌برد ولی به کمیت جلسات برای گرفتن عکس و فیلم تبلیغاتی کمک شایانی می‌کند و به رقابت جالب انجمن‌های پیشرو هم رنگ و بویی تازه می‌بخشد. آنچه از گفتار و کردار مخاطبان پیشکسوت و جوان ادبی دیده می‌شود در بین جمع فعال ادبی اینگونه محافل قطعاً یکی از بهترین‌ها جناب آقای مهران انارکیان است که در همان تعریف سنتی هم اطلاعات کامل، حافظه‌ی مناسب برای اشعار مصداقی و نیز اخلاق و صدای خوشایند بیش از بقیه‌ی بزرگواران توانسته است حتی در دل نسل مطالبه‌گر امروزی هم جا باز کند که تجربه‌ی تدریس چندساله نیز فن کم‌گویی و گزیده‌گویی را درمقایسه با هم‌نسل‌های یک سینه سخن دارمش نیز کار ایشان را جذاب‌تر کرده‌است و البته آیین تجلیل از ایشان همراه با سخنرانی پخته و کوتاهشان مورد توجه جمع کثیری از علاقه‌مندان به شعر و ادبیات (در گرگان، سالن حوزه‌ی هنری، انجمن حافظ گلستان، ۲۲ مهر ۱۴۰۳) قرار گرفت.

۲- انجمن‌های نواندیش:

فضای شعر معاصر چنان تحولات جالبی شده و از طرفی ارتباط مجازی و حقیقی شاعران کشور با هم بخصوص همراهی با پایتخت‌نشین‌ها نگاهی تازه به شعر امروز داده که نمودش امروزه در فعالیت‌های انجمنی با مقایسه‌ی دهه‌ی ۸۰ به قبل بسیار محسوس است؛ مثلاً دوباره شعر کلاسیک نه تنها از زیر خاکستر ققنوسی سربرآورده است، بلکه غزل به شیوه‌های مختلف نوگرانه بسیار پا گرفته، چنانکه دست کم شاعران و مخاطبان کلاسیک و نئوکلاسیک‌کار به لحاظ کمیت چشمگیرتر هستند و حتی کیفیت هم با احتیاط می‌توان گفت که بسیاری از فعالان شعر نوی منثور از نظر کار و کارگاهی تفاوت چندانی با دوران خیلی قبلشان نکرده‌اند تا جایی که حتی برخی پیشکسوتان بنا به عادت دوران خوش دهه‌ی ۶۰ تا هشتادشان در مواجهه با نگاه نسل نو دچار احم و تنش هم هراز گاهی می‌شوند. اما ویژگی دیگر این دوران را می‌توان در نقش خانم‌ها هم در فعالیت انجمنی و هم در قلم‌فرسایی و حتی آموزش ادبی دانست، چنانکه می‌توان به یقین در انجمن ادبی حافظ از خانم مریم محمدیان و در انجمن دوشنبه‌ها از خانم ریحانه دانش دوست و در انجمن داستان و چهارشنبه‌ها از خانم سارا سعیدی و ... در قلم و قدم باید نام برد که همکاری همگان با ایشان خیلی رونق خاصی به فضای ادبی گرگان و چه بسا استان بخشیده‌است. انجمن حافظ گلستان که عصر شنبه‌ها یک هفته درمیان در گرگان (بیشتر در کانون آفرینش آموزش و پرورش گرگان) و کردکوی (اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی) برگزار می‌شود، اگرچه شنیده‌ها حاکی از آن است که در دوران ریاست سیدمهدی جلیلی در کردکوی جان گرفت ولی آنچه ما دیدیم و شنیدیم در خود کردکوی ادامه‌ی پررونقی نداشت، مگر جلساتی که اهالی شعر و اندیشه با تارکات اداری مربوطه و نهادها و دست‌اندرکارانشان از دیگر شهرهای استان در همایش‌های مهم دعوت شدند و این در حالی است که کانون یا همان جمع ترانه‌سرایان شهرستان کردکوی تا چندی پیش از هر لحاظ زباز بود و حالا امروزها این کانون ترانه چریک‌باز فعالیت انجمنی چه مستقل و چه

ب) انجمن‌ها:

۱- شبه پژوهی‌ها:

اگرچه گروه‌های مختلف با توجه به علاقه‌ها و عادت‌های ذهنی از دیرباز فعالیت‌های خاص با عنوان "شناسی/پژوهی" داشته‌اند، مثل انجمن‌های حافظ‌شناسی و شاهنامه‌پژوهی و نیز آنچه به فرهنگ و ادبیات کلاسیک ما مربوط می‌شود؛ اما چندسالی است که به دلایل مفصل دوره‌می‌ها به بهانه‌های مثل حافظ پرنرنگ‌تر شده است و شاید هم اگر همین اقدامات نمی‌شد، کشوری دیگر ادعای کرد حافظ از ماست، چنانکه به بهانه‌ی تقسیمات کشوری جدید و تابعیت‌های حتی ناخواسته بسیاری از بزرگان اهل فرهنگ و هنر پارسی کهن مثل مولوی و حاجی‌بکتاش و نسیمی و سیف فرغانی و ... را به اسارت تبلیغاتی گرفته‌اند. اگرچه برخی از این محافل و

همراه با انجمن‌های دیگر نمی‌کند، امیدواریم فعالان این قلم را باخبر کنند که هستند و شما خبر ندارید. اما همان فعالیت یک هفته درمیان گرگان و نیز ارتباط گاهی با انجمن حافظ گنبد و حضور نخبگانی از اهل قلم و شعر شهرستان‌های دیگر بخصوص علی‌آبادکتول - که این این منطقه برخلاف دوران طلایی گذشته‌اش امروزها با خونسردی مسوولان مربوطه زمستانی‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و هنری بخصوص ادبی خودش را می‌گذراند - مشغول به کار است؛ البته فعالیت جدی در مناسبت‌ها باعث شده که مخاطبان خوبی هم داشته باشند. اگرچه عنوان انجمن حافظ گلستان هنوز واقعاً کل استان را پوشش مصداقی نداده و در سطح کشور بخصوص پایتخت هم نمود چشمگیری ندارد ولی قابلیتش را دارند، شاید حمایت مادی اداراتی مثل فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... بتواند مثلاً کلاس‌های آموزشی را با مدرسان بیرون از کادرشان هم فراهم کند زیرا کلاس‌های عروضشان که موفق بود. و نیز از جمله فعالیت‌های تاثیرگذارشان که مورد توجه و تحسین همگان‌های دیگر شهرها و حتی

فضای شعر معاصر چنان

دچار تحولات جالبی شده و از طرفی

ارتباط مجازی و حقیقی شاعران کشور با هم

بخصوص همراهی با پایتخت‌نشین‌ها

نگاهی تازه به شعر امروز داده است

پایتخت‌نشین‌ها هم قرار گرفت، آیین رونمایی و بررسی مجموعه شعر خانم سیدالهام قریشی از مازندران و نیز سخنرانی آقای حسین ضمیری درباره‌ی آیین‌های سوگ استرایی در ایام محرم و تجلیل از پیشکسوتان ادبی و ... بود. انجمن ادبی دوشنبه‌ها که مرکزیت اصلی‌شان در سالن هنر تالار فخرالدین اسعد گرگانی بوده و فعلاً بخاطر تعمیرات در خانه‌جوان گرگان (عصر دوشنبه‌ها عدالت انجام می‌شود، بیشتر بر سطح کیفی توجه داشته تا میزان کمی چنانکه فعالیت‌های جنبی این انجمن نیز تاثیرگذار است؛ مثل وقت مناسب برای نقدهای حرفه‌ای، سخنرانی‌های علمی حتی با دعوت از مهمان‌های خارج از استان و آموزش و مشاعره و بداهه‌گویی و گفتگوهای مجازی در گروه تلگرامی و نیز گاهی همکاری انجمنی با محافل ادبی تهران می‌باشد و البته روابط صمیمی بین اعضا نیز کمک به همدلی کرده چنانکه تنش‌های رایج بر اساس احساسات و سلاقی ادبی دهه‌ی ۸۰ انجمن تالار را در این دوران به حداقل‌ها رسانده است. از جمله برنامه‌های موفقشان برگزاری همایش به مناسبت روز شعر و ادب و در دانشگاه گلستان و نیز شرکت گروهی در همایش استاراد تهران و نیز ارتباط با شعر دیگر استان‌ها بوده‌است. البته کم‌لطفی کرده‌ام اگر پذیرایی‌های از جیب خود مدیرانشان حتی با دمنوش تشکر نکنم. اما انجمن کانون دوستداران کتاب که از گذشته‌ها تا چندی پیش به نام‌هایی مثل سوشیانته چهارشنبه‌ها با حمایت دکتر سیدهاشم موسوی برگزار می‌شده، که مدتی اخیراً بخاطر مشکل نامناسبی مکان پیشنهادی هم دچار تعطیلی شده بود، تا اینکه فعلاً تحت عنوان همان کانون (یا عنوان جالب "در ساعت پنج عصر") و شاید بهتر است همان "خانه‌ی ادبیات گرگان" (سه‌شنبه‌ها در کتابفروشی خانه‌ی هنر) گفته شود با تمام محافل ادبی فرق دارد که این محفل نوگرا تبلیغات دیگر انجمن‌های نوظهور را مثل پخش پوستر هفتگی و یا همایش‌های تلفیقی با دیگر انجمن‌های سنتی را ندارند و البته بیشتر گرایش ادبیات و نقد مدرن با نگاه استنادار جهانی را می‌پسندند، یعنی خواسته یا ناخواسته، مخاطب خاص را جلب می‌کند و البته هروقت به جلساتشان سر بزیند شاید جمع معهود و ثابتی را ببیند ولی قطعاً اثر و مطلب تازه‌ای را می‌شنوید و می‌آموزید و اصلاً هم اصرار ندارند به جذب مخاطب

سیاهی‌لشکر بپردازند، چنانکه اگر در آنجا نگاه ماقبل تاریخ یا بسته‌ی فسیلی و به این باور کته‌تات اصرار هم داشته باشی شاید احم خودجوش ناخودآگاهی هم خواسته یا ناخواسته حس کنی، به هرحال فرق این انجمن نخبگان پیشرو با هر محفلی که دیده‌اید مثل تفاوت تئاتر با سینماست. اجرای صبورانه غزل‌سرای مدرن آقای محمد مطلوب طلب و حضور چندین شاعر و نویسنده‌ی باتجربه و حرفه‌ای باعث شده، کسی صرفاً برای وقت گذراندن و دیدار رفقا به آنجا نرود ولی آنچه برای خیلی‌ها سوال پیش می‌آید این است که اینچنین نگاه مدرن ادبی را می‌شود راحت به علاقه‌مندان امروزی آموزش یا انتقال داد؟ چرا اینگونه علاقه‌ی ادبی حتی با نقش پرنرنگ بزرگانی چون زنده‌یاد شاملو و آن‌همه کتاب‌های ترجمه انگار اقبال عمومی که پیدا نکرده حتی امروزه با انواع غزل روز بخصوص بعد از غزل پست‌مدرن و مرکب حرکت و انواع نئوکلاسیک‌ها انگار نوعی مکتب بازگشت ادبی در تلفیق سنت و مدرن هم اتفاق افتاده است. از جمله فعالیت‌های چشمگیر فعالان اصلی این انجمن می‌توان به فعالیت پرانرژی پیچ خوب نویسنو و خانه‌ی ادبیات گرگان بخصوص در اینستاگرام اشاره کرد که در به کارگیری همگان حتی قابلیت‌های دیگر انجمن‌ها خیلی خلاق بوده‌اند و البته برخی فعالان پرانرژی این محفل ماندگار گرگان در همایش‌ها و دوره‌می‌های دیگر انجمن‌ها به شرطی خلاقیت فکری و فرهنگی ببینند بدون هیچ چشمداشتی اصولاً همکاری تاثیرگزار می‌کنند.

ج) در حاشیه:

طبیعی است که هر جمعی و فعالیت گروهی در عین رقابت‌های موازی و رفاقت‌های هواری هم مبتلا به حواشی تلخ و شیرین می‌شوند بخصوص که گرگان را باید تهرانی کوچک و سرشار از تنوع و تکثر همه‌جانبه دانست؛ از جمله‌ی این حواشی اینک:

همه می‌دانیم نسل دوست‌داشتنی و مهربان امروزی ما تفاوت‌های بسیاری از هرجهت با نسل قبل خود دارند، به طوری که اگر تفاوت‌های طبیعی ظاهر و باطن بین ما دهه‌ی پنجاه و شصتی‌ها با والدین‌ها مان سی‌ساله بود، بین این نسل جوان با ماها به قبل سی‌صدساله است و از نگاه ادبی گرفته تا اجتماعی و سیاسی و ... خیلی بین این خال‌های مهریوان با دانه‌های لفل فل سیاه‌ماها تمایز هست که البته برای امثال اینجانب و آقای فرازجو و ... که سال‌ها معلم و مدرس بوده‌ایم، و نیز خوش‌اخلاق‌هایی مثل آقای مومنی و پیام‌نور و ... بسیار قابل درک و طبیعی است و شک نکنید خیلی هم از این نسل آموخته و بخصوص اینجانب به ایشان مدیونم اما در مجموع عادت‌های ذهنی دو نسل بخصوص در همنشینی ادبی و فعالیت اجتماعی گاهی گفتگو‌هایی را پیش می‌آورد که فقط باید شاهدش بود و حتی گاهی در عین و حین جنگ سردشان لذت هم برد به‌ویژه وقتی هرکدام فکر می‌کنند حق مطلق از آن ایشان است، اگرچه پیشکسوت‌ها زودتر و بیشتر قهر می‌کنند. اما از سویی، حضور چند نونهال و نوجوان حافظ شعر که خیلی جذاب مثل دو رفیق ادبی خردسالمان باران‌خانم گل و شادان‌خانم بلبل به دکلمه‌ی اشعار بزرگان می‌پردازند، در این دوران با این سطح کمی و کیفی طراوت و حس خوبی بخصوص در همایش و دوره‌می‌ها به جمع داده است و اگر از سوی مسوولان حمایت بشوند، می‌تواند الگوی خوبی برای بقیه باشند مثل گروه شاهنامه‌خوان نونهال در علی‌آباد کتول که باعث شگفتی همگان شده‌اند. اما نکته‌ی جالبی که امروزه با گذشته‌ها تفاوت افتاده، این است که در گذشته برای اجرای اثر ادبی بخصوص در همایش‌های مهم رسمی با معیارهای مختلف اصولاً افراد بخصوصی حالا با نظارت اداری و مشورت نخبگان گزینش می‌شدند و در مجموع کیفیت کارها نزدیک به استنادار بود، اما امروزه حالا به هر دلیل تقریباً تمام آشنایان انجمنی و شرکت‌کنندگان جلسات عادی هفتگی از حرفه‌ای تا تازه‌کار از عکاس مراسم تا کادر مدیریتی هم حتی اگر ساعت‌ها بیشتر وقت هنایش‌ها گذشته باشد برای اجرای اثر به روی سن دعوت می‌شوند که حالا این عزیزان دست کم با پست گذاشتن در صفحات مجازی خود تبلیغات خوبی را در جذب مخاطب برای این انجمن‌ها خواهند داشت و البته این رویه را در درازمدت با ایجاد توقع و توهم زرومه ساختن برای مؤلف بودن می‌توان نگران بود...

آب خانگی پنبه



یک محصول صنعتی در بعضی از سالها تا هفتاد و پنج سنت یارانه می دهند در اروپا دو کشور پنبه می کارند .. (یونان و اسپانیا) به طور متوسط تا دوپست و بیست سنت به ازای هر کیلو به کشاورز پنبه کار از طریق اتحادیه اروپا یارانه داده می شود که تولید کیفی را برای قاره خودشان داشته باشند، هم برای پوشاک و هم محصولات دیگر. ما اگر این محصول را حمایت کنیم، اتفاقی که می افتد این است که پنبه ریشه اش هفتاد هشتاد سانتیمتر می تواند نفوذ کند و تا یک متر و هشتاد نود هم ثبت شده است، تنها گیاه زراعی است که می تواند کرین را از اتمسفر بگیرد، الان مشکلی که داریم گرم شدن زمین است، یک بخش این گرم شدن زمین بخاطر گاز CO_2 است، همه ی خودروها و کارخانجات دارند CO_2 به اتمسفر تزریق می کنند. وقتی غلظت این CO_2 از یک حدی بالاتر می رود مانند یک لحاف باعث گرم شدن زمین می شود و خسارت های بسیار زیادی دارد. دنیا به این باور رسیده که از فعالیتهایی با ترکیب کرین حمایت کند هر گیاهی که بتواند مقدار بیشتری از کرین را بیاورد و در خاک تزریق کند، بالانس را به نفع خاک تغییر داده است، این کار را ممکن است گندم، جو، برنج و سویا هم انجام بدهند اما ریشه ی اینها ده یا پانزده سانت بیشتر نیست. با اولین دیسکی که می زنند خاک در معرض هوا قرار می گیرد و کرین ذخیره شده مجدداً به اتمسفر برمی گردد. ولی پنبه این خاصیت را دارد که به عمق تزریق

میکند. شاید اگر میلیونها هم هزینه بکنید، نتوانید کرین را از اتمسفر تزریق کنید اتفاقی که می افتد این است که ریشه در آنجا می پوسد، کانال هایی بوجود میآید پر از میکروبیهای مفید ریز. یعنی جانداران مفید و کانال هایی ساخته می شود که برای تهویه و ذخیره آب خیلی خوبند و همه ی اینها دست به دست هم می دهد و خاک را زنده تر نگه می دارد شما در مزرعه ای که پنبه بوده در قدیم احتمال اینکه آب ماندگی سطحی بینی خیلی کمتر بود و دلیلش هم کانال های ریز زیرزمینی بعد از مردن ریشه ها هست. ما خیلی راحت این را از الگوی کشت مان حذف کردیم و رو آوردیم به برنجی که شاید سال به سال سطحش دارد زیاد می شود. یک بخش مقصر دولت و حاکمیت است به خاطر اینکه ما آمدیم از محصولی که مثل سم است برای خاکهای استان حمایت تسهیلاتی کردیم. یعنی گفتیم کشاورزی که بیاید دستگاه نشاکار برنج بگیرد پنجاه درصد را از نو می گیریم، بقیه اش را وام میدهیم، وقتی نشاکار آمد و کشت مکانیزه شد دیگر کسی برنج را رها نمی کند، برنج کاری شغل سختی بود در قدیم ولی الان خیلی ساده شده است. الان صدهکتار را دو نفر به راحتی می توانند مدیریت کنند. به کمباین برداشت برنج از منابع دولتی یارانه داده اند چرا ؟ چون گفتند هر کس کمباین بگیرد نصفش را ما می دهیم نصف دیگرش هم وام. ولی ما نیامدیم این کار را با پنبه انجام بدهیم که دولت حمایت کند که کمباین برداشت پنبه مورد حمایت دولت است. نکته دیگر آنکه سخت ترین کار الان در کشاورزی تامین کارگر برای برداشت است، چون فرهنگ تغییر کرده است، یک زمان در هر روستایی صبح که می رفتید ده ها دخترخانم و خانم را می دیدید که منتظرند تریلی بیاید و سوارشان کند بروند نشا و وجین و برداشت پنبه و... ولی الان کاهش پیدا کرده است، الان فرهنگ اشتغال تغییر کرده است ما نباید به این فکر کنیم که محصولی بکاریم به امید اینکه مردم بیایند تغییر رویه بدهند و در برداشت کمک کنند اگر ما مشکل برداشت را حل کنیم با کمک های یارانه ای دولت که باید به کمباین های برداشت پنبه بدهند، من فکر می کنم بخش زیادی از تغییر الگوی کشت تحقق پیدا کند دولت باید کاری که در دهه شصت انجام داد وگفتند ما بذر را مجانی می دهیم دو مرحله کود و سم را هم مجانی می دهیم، شما در ظاهر به کشاورز کمک کردید ولی در واقع به حلقه ی اولیه کمک کرده ای که تولیدش در چهل حلقه ی بعدی شغل ایجاد می کند. در پنبه فقط این مساله نیست، پنبه یک مثقالش ضایعات ندارد، چوب پنبه اش در صنایع مختلف کاربری دارد. خود پنبه می رود پنبه پاک کنی، نخ رسی، پوشاک و... تجارت پوشاک در دنیا با ارزش ترین سرمایه گذاری است. شما می بینید سود سالیانه پوشاک پنبه ای بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار است. ما خودمان را از این محروم کردیم، کشور هشتاد میلیونی داریم هیچ کدام از ما نمی توانیم بگوییم نیاز به این محصول نداریم، همه ی ما لباس زیرمان بلا استثنا پنبه ای هست، خب میلیاردها می تواند به اقتصاد کشور کمک کند، کارگاه های زیادی چرخشان بچرخد و سایر فرآورده هایی که از این محصول گرفته می شود. تا پنجاه فرآورده از آن برداشت می شود. طبیعی است به همین خاطر است که در کشوری مثل آمریکا ارزش افزوده پنبه ۲۲۰۰ درصد است، یعنی ۲۲ برابر ارزش اولیه، یعنی ایجاد شغل کرده است. محصول حلقه ی اول را اگر حمایت کنید، این حلقه ی بعدی را شغل ایجاد کند و این چیزی است که مغفول واقع شده است، به نظر من هر چه زودتر باید سیاستگذاران توجه کنند و این روند را اصلاح کنند.

شما چند وقت پیش صحبتی کردید درباره اهمیت خاک و خطر ریزگرد در گلستان انطور که ما ارزیابی کردیم کارشناسان می گویند از مرز ایران و ترکمنستان در کنار رود اترک به دلایل محیط زیستی مختلف از قبیل سدهایی که زدند و... در واقع خودمان با دست خودمان تبدیلی کردیم به بیابان و این منطقه در آستانه ی کویر شدن هست و با یک نسیمی هم گرد و غبار بلند می شود و... موضوعی را به صورت تجربی عرض بکنم خدمت شما. ما به واسطه ی علایق خانوادگی و شغل دامداری که داشتیم مراتع بعد از گمیشان را زیاد رفته ایم هم به واسطه ی علاقه ای که به شکار داشتیم و هم بحث دامداری. در آن زمان بین دریا و خشکی حدود هفت کیلومتر باتلاق داشتیم، باتلاقی که بیشتر طول سال اشباع از آب بود و جدای از اکوسیستم خاصی که داشت رونق اشتغال را به همراه داشت. ماهیگیری و شکار و سایر کاربری ها را داشتیم، با نگاهی به تصاویر ماهواره ای که به راحتی هر لحظه می توانیم رصد کنیم. این هفت کیلومتر فرضی الان تقریباً خشک خشک است، هفت کیلومتر عرض در چهل کیلومتر طول و عمق آب را اگر یک متر در نظر بگیرید می بینید چه حجم عظیمی از آب را از دست داده ایم، آب با کیفیتی شاید نبود اما تغییر اکولوژیکی سریعی را در منطقه داشتیم اتفاقی که می افتد این است الان خودتان می بینید که یک منطقه ی خشکی را انجا داریم به واسطه ی شوری بالایی که دارد به واسطه ی نوع ذرات ریزی که در آنجا شکل گرفته در انتهای مسیر که آب بوده هر چه ذره ی ریز بوده آنجا نشسته با این عقب نشینی که دارد اتفاق می افتد با این تغییراتی که ما به صورت غیر علمی انجام داده ایم، آمده ایم روی اکثر رودخانه ها هر روستایی که بروید، مثلاً روستای یساقی (رودخانه ی شصت کلا) در دوران کودکی ما به راحتی می شد در آن آب سالم تمیزی که در آن ماهی زنده بود

تخریب شده است. همان طور که عرض کردم شاکله ی اصلی تولید ریشه در ماده ی آلی است. اگر یک خاکی نفوذپذیری اش کم است ماده آلی اضافه کنیم خوب می شود. اگر خاکی نفوذپذیری اش زیاد است باز ماده آلی اضافه کنیم خوب می شود. اگر خاکی توان نگهداری آب را ندارد، ماده ی آلی اضافه کنیم خوب می شود. اگر به هر دلیلی توان نگهداری مواد مغذی را ندارد با ماده آلی خوب می شود. حلال همه ی مشکلات بخش کشاورزی برای تولید پایدار ماده ی آلی است و این شاه کلید هست. ما بایستی به هر شکل آن را حفظ کنیم. قانون هم محورش حفظ خاک است و تخصص داشته باشیم بحث استفاده از این سالها سعی کردیم براساس تجربه و تخصص استان گلستان انجام شده. علوم جدید بود. تحت عنوان رقومی کردن که در سطح استان گلستان انجام شده. اگر به مراکز خدمات جهاد کشاورزی در استان مراجعه کنید آلبومی از نقشه های رقومی حاصلخیزی خاک را می توانید پیدا کنید که سالها عمرمان صرف آن شده است. در آن نقشه مزرعه ی مورد نظرتان را اگر پیدا کنید از روی علایم جاده ای و طول و عرض جغرافیایی کاملاً واضح است می توانید به این اطلاعات دسترسی پیدا کنید که خاک مورد نظر مزرعه ی شما چقدر آهن و مس نیتروژن فسفر ... دارد. شوری اش به چه حلی است و... در کتابچه ی راهنما که برای هر مرکز خدمات آماده شده است، افراد می توانند با مطالعه و بررسی آن کتابچه ی کاربردی کوچک نوع محصولشان را انتخاب کنند براساس نوع محصول و سطح ماده آلی میزان و نوع کود دهی به صورت خیلی ساده از آن کتابچه استخراج کنند.

ما منطقه ای هستیم با اکوسیستم و زیستگاه متفاوت از بیابان تا جنگل. در چند سال اخیر اتفاقاتی بر روی خاک اتفاق افتاده است. بر اساس نظرات شما خاک موجود زنده است که باید با آن زندگی کرد، ولی به هر دلیل در گلستان این اتفاق نیفتاده سیلهای مخربی که اتفاق افتاده، عقب رفتن جنگل، عقب رفتن دریا و... اگر میشود یک نمای کلی از وضعیت خاک گلستان به ما بدهید؟ رفتار ما با خاک رفتار مناسبی نبوده و نیست، ما در استان گلستان بالغ بر ۱۲۰ هزار هکتار اراضی داریم که اراضی شیبنداری هستند که جنگل تراشی شده در حالی که در سالهای قبل جنگل و مرتع بوده و اینک به کشت و زرع اختصاص یافته است، عمده ی اینها در جهت شیب شخم می کنند و عمده ی اینها کم بازده شده اند. فصل شخم و شیار همین جاده ی گرگان به کاله را برورید اکثر خاک ها لایه ی سفید آهکی دیده می شود، یعنی لایه ی سیاه غنی از مواد آلی شسته شده و به واسطه آب باران و شخم و شیار نامناسب که در جهت شیب شخم زده شده از طریق تراکتورها و... فرسایش هم در بالادست اتفاق افتاده، هم وقتی به پایین می آید به روستاها، اراضی، ابنیه و... خسارت وارد می کند و متاسفانه دستکاری هایی که در طبیعت می شود باعث می شود که ما خسارت را به چشم غیرمسلح ببینیم. ساده ترین مثال اینکه وقتی ما رودخانه که خانه ی رود است را دستکاری می کنیم و خراب می کنیم طبیعت هم جوابش را سخت تر به ما خواهد داد و به شدت در برهه ای به ما سیلی می زند که متاسفانه در این سالها بسیار می بینیم. و این حاصل نابخردی ما در زمانی بوده که ما قدر این موهبت را ندانستیم الان هم دیر نیست الان باید عالمانه با منابع آب برخورد کنیم. در کنار خاک مهم ترین مایع بشر آب است یعنی بشر می تواند بدون تنوع غذایی و بدون پوشاک ملتی را سر کند اما بدون آب میسر نیست در استان گلستان به خاطر استفاده نامناسبی که از آب زیرزمینی انجام دادیم - این را من به عنوان یک مدلی ده سال قبل بارها گفتم و نوشتم که ما باعث این مشکلات شده ایم- سطح آبهای زیرزمینی مان، چاههای عمیق و نیمه عمیق به راحتی قابل رصد است، به طور متوسط ۶۰ متر افت بکند مثلاً در چاههای نیمه عمیق ما در یساقی در سال ۶۶، ۲۴ متر عمق توربین بوده است و آب چهار پنج اینچی هم به راحتی داشتیم حتی ارتیزین داشتیم، اما الان همان چاه عمق توربین شاید ۱۰۵ متر باشد به طور متوسط وقتی بررسی می کنیم، می بینیم در این ۳۵ سال حدوداً ۶۰ متر افت سفره و چاه زیرزمینی را داشتیم که این فقط مال چاه شما نیست و این پهنه است وقتی جمع و ضرب می کنیم به صورت سرانگشتی حساب می کنیم، می بینیم بالای ۱۳۰ یا ۱۴۰ میلیارد متر مکعب آب را از دست داده ایم. چون آبی که در سفره ات نیست دیگر از دست رفته است حالا یا تیخیر شده و از دسترس ما خارج شده است. اتفاقی که افتاده این است که اگر دریافت آبی ما در سال در گلستان حدود دو و نیم میلیارد متر مکعب است یعنی اگر بیاوریم تمام چاهها را پلمپ بکنیم و چهل سال صبر کنیم شاید سطح آبهای ما برگردد به چهل سال قبل یعنی حجم آبهای از دست رفته فوق العاده زیاد است و هر چه ما سطح سفره را پایین تر ببریم احتمال دارد که سفره های آب شوری که پرفشار هستند و در منطقه ما هم زیاد است، به چاه های آب شیرین وارد شود و دیگر آن زمان هیچ کاری از دست هیچ کسی ساخته نیست و متاسفانه کشاورزی ما نابود خواهد شد.

این روند اگر ادامه پیدا کند چند سال دیگر ممکن است به آب شور برسیم؟

این روند اگر با همین سرعت ادامه داشته باشد به یک دهه شاید نرسد و حتما شوری آب را در بخشی از استان خواهیم داشت چون خیلی افت شدیدی وجود دارد و متاسفانه شما لایه های آب شیرین را وقتی تخلیه می کنید و در کنارش آب پرفشار شور هست، این اتفاق قطعاً خواهد افتاد و به حدس و گمان نیست. این را باید با مدیریت صحیح مصرف آب و اصلاح الگوی کشت اصلاح کرد، چون به هر حال کشاورز به دنبال این است که منفعت اقتصادی ببرد. من خودم کشاورزم و این را خوب می فهمم که کشاورز به دنبال منفعت اقتصادی برای گذران زندگی اش است، کشاورز سیاستگذار نیست، حاکمیت موظف است طوری محصولاتی که نیاز به حمایت دارند را حمایت کند. در آمریکا واژه ای به نام سوسپید وجود ندارد، یارانه اصلاً نمی داند که چیست؟ ولی به پنبه به عنوان



است و این اتفاق متأسفانه قطعاً خواهد افتاد. ما می‌توانیم با اصلاح الگوی کشت و با مدیریت درست آب و با جلوگیری از برخی اقدامات نابخردانه ای که انجام شده، انشالله جلوی فجایع محیط زیستی را که در کمین ماست بگیریم. من به عنوان یک کارشناس اینها را عرض کردم. من تمام خاک های خوب دنیا را دیده ام، خیلی از کشورهای دنیا را رفته ام، کشورهای بزرگی مثل چین استرالیا روسیه و خیلی از کشورهای دیگر را از نزدیک دیده ام و میدانم که ما در استان گلستان کلکسیون خاکهای ایران است. میشود توضیحی از خاک های گلستان در اختیار خوانندگان بگذارید؟

ما در دنیا دوازده رده ی خاکی را داریم. بعضی از اینها در ایران وجود ندارد، مثل خاک های یخچالی یا آتشفشانی. ما در ایران هفت رده ی خاکی داریم که در استان گلستان هر هفت رده را داریم یعنی گلستان کلکسیون خاک های ایران است همه ی این رده ها که در کل کشور پراکنده است مثلاً استان اصفهان دو رده فارس سه رده دارد گلستان حاصلخیزترین دشت ها را دارد، حیفاست ما از این جهت باید به موضوع خاک توجه کنیم که استانی هستیم که می‌توانیم جزو بهترین بنگاه های تولید در کشور باشیم اگر عالمانه انجام بدهیم مثلاً رفتن به سوی کشت های گلخانه ای متمرکز نه کوچه و کم بازده. برای نمونه عرض می‌کنم در سال ۸۳ سفری یک ماهه به چین داشتم برای اولین دوره کشاورزی در محیط حفاظت شده. آنگاه متوجه شدم که یکی از راههای ایجاد درآمد و اشتغال در استان سرمایه گذاری و تمرکز در زمینه ی گلخانه هاست. حرکت های نمادینی شروع شد ولی هیچ کدام به عرصه نرسید، در روستایی در چین بازدید داشتیم از یک بخش یا کانتی که ده بزرگتر و از شهر کوچکتر است، ۹ هزار هکتار گلخانه وجود داشت. آن موقع کل گلخانه های ایران ۱۵۰۰ هکتار بود من سوالم این بود که عرضه و تقاضا قیمت را تعیین میکند، سوال کردم که با این تولید گوجه و خیار، قیمت به صفر نمی‌رسد خندید و گفت ما از طریق اتحادیه ای که داریم و سورت و سپس سیستم ریلی به ترکمنستان و افغانستان و بسیاری از این کشورهایی که تازه استقلال یافته اند صادر میکنیم و به دلار پول می‌گیریم. در آن زمان ۸۵ درصد گلخانه های دنیا از چینی ها بود و از این منفعت اقتصادی زیادی بردند. آن زمان ما می‌توانستیم اینجا سرمایه گذاری کنیم در اراضی کم بازده که داریم با مقدار مصرف کم آب و نور که زیاد داریم در اراضی شمالی و گیاه به چهار عنصر نیاز دارد آب هوا نور غذا. ما می‌توانستیم اینجا پایلوت هایی اشتغال زای بسیار خوبی داشته باشیم و درآمدهای کلان ایجاد بکنیم و استان ما را تبدیل کنند به استان ثروتمند کشور، ولی متأسفانه نشد. الان به شکل محدودی کارهای خوبی انجام می‌شود ولی باز هم آن نقشه راهی که باید باشد، هنوز هم وجود ندارد. هرکسی اولین بار که وامی داده می‌شود گلخانه گوجه و خیار می‌زند و می‌بیند که به بازار نمی‌خورد، ورشکستگی اعلام می‌کنند و داستانهایی که تکرار شده و در حالی که می‌بینید کسی که عالمانه این کار را کرده با مساحتی کمتر از هزار متری یک خانوار پرجمعیت را به راحتی می‌تواند ارتزاق کند و از لحاظ اقتصادی تامین شود. این کار شدنی است ولی اگر درست برنامه ریزی و هدایت نشود همین است که بررسی کنید از چند صد نفری که برای گلخانه مجوز گرفتند، وام گرفتند بعد اعلام ورشکستگی کردند و شاید سه چهار نفر بودند که توان فنی داشتند یا انشالله دیگر با مدیریت که انجام می‌شود این موارد تکرار نشود. از حضورتان سپاسگزارم.

محمد جواد مکتبی

ما در دنیا دوازده رده ی خاکی را داریم بعضی از اینها در ایران وجود ندارد، مثل خاک های یخچالی یا آتشفشانی ما در ایران هفت رده ی خاکی داریم که در استان گلستان هر هفت رده را داریم

باشد که جلوی این موضوع گرفته بشود متوقف کردنش کار سختی نیست و می‌توانیم به تاخیر بنذاریم و حتی احیا کنیم. مثلاً زیستگاهی مثل جهان نما را اگر بیست سال قبل می‌رفتید تخریب شده بود، چیزی نداشت. تابستان مثل منطقه لم یزرع دیده می‌شد، اما آمدند قرق کردند مانع حضور دام شدند الان بیش از پنجاه شصت گونه ی که اصلاً دیده نمی‌شد از سیر وحشی و توت فرنگی وحشی و خیلی چیزهای دیگر را به راحتی می‌توانید ببینید که احیا شده طبیعت این قدرت را دارد که خودش را بازسازی کند اما باید کمک

گلشن

یک دهه با فاجعه فاصله داریم

دکتر فرید علی دهستانی، کارشناس محیط زیست، در گفت‌وگو با خبرنگار گلشن، اظهار کرد: ما در استان گلستان کلکسیون خاک های ایران است. میشود توضیحی از خاک های گلستان در اختیار خوانندگان بگذارید؟

ما در دنیا دوازده رده ی خاکی را داریم. بعضی از اینها در ایران وجود ندارد، مثل خاک های یخچالی یا آتشفشانی. ما در ایران هفت رده ی خاکی داریم که در استان گلستان هر هفت رده را داریم یعنی گلستان کلکسیون خاک های ایران است همه ی این رده ها که در کل کشور پراکنده است مثلاً استان اصفهان دو رده فارس سه رده دارد گلستان حاصلخیزترین دشت ها را دارد، حیفاست ما از این جهت باید به موضوع خاک توجه کنیم که استانی هستیم که می‌توانیم جزو بهترین بنگاه های تولید در کشور باشیم اگر عالمانه انجام بدهیم مثلاً رفتن به سوی کشت های گلخانه ای متمرکز نه کوچه و کم بازده. برای نمونه عرض می‌کنم در سال ۸۳ سفری یک ماهه به چین داشتم برای اولین دوره کشاورزی در محیط حفاظت شده. آنگاه متوجه شدم که یکی از راههای ایجاد درآمد و اشتغال در استان سرمایه گذاری و تمرکز در زمینه ی گلخانه هاست. حرکت های نمادینی شروع شد ولی هیچ کدام به عرصه نرسید، در روستایی در چین بازدید داشتیم از یک بخش یا کانتی که ده بزرگتر و از شهر کوچکتر است، ۹ هزار هکتار گلخانه وجود داشت. آن موقع کل گلخانه های ایران ۱۵۰۰ هکتار بود من سوالم این بود که عرضه و تقاضا قیمت را تعیین میکند، سوال کردم که با این تولید گوجه و خیار، قیمت به صفر نمی‌رسد خندید و گفت ما از طریق اتحادیه ای که داریم و سورت و سپس سیستم ریلی به ترکمنستان و افغانستان و بسیاری از این کشورهایی که تازه استقلال یافته اند صادر میکنیم و به دلار پول می‌گیریم. در آن زمان ۸۵ درصد گلخانه های دنیا از چینی ها بود و از این منفعت اقتصادی زیادی بردند. آن زمان ما می‌توانستیم اینجا سرمایه گذاری کنیم در اراضی کم بازده که داریم با مقدار مصرف کم آب و نور که زیاد داریم در اراضی شمالی و گیاه به چهار عنصر نیاز دارد آب هوا نور غذا. ما می‌توانستیم اینجا پایلوت هایی اشتغال زای بسیار خوبی داشته باشیم و درآمدهای کلان ایجاد بکنیم و استان ما را تبدیل کنند به استان ثروتمند کشور، ولی متأسفانه نشد. الان به شکل محدودی کارهای خوبی انجام می‌شود ولی باز هم آن نقشه راهی که باید باشد، هنوز هم وجود ندارد. هرکسی اولین بار که وامی داده می‌شود گلخانه گوجه و خیار می‌زند و می‌بیند که به بازار نمی‌خورد، ورشکستگی اعلام می‌کنند و داستانهایی که تکرار شده و در حالی که می‌بینید کسی که عالمانه این کار را کرده با مساحتی کمتر از هزار متری یک خانوار پرجمعیت را به راحتی می‌تواند ارتزاق کند و از لحاظ اقتصادی تامین شود. این کار شدنی است ولی اگر درست برنامه ریزی و هدایت نشود همین است که بررسی کنید از چند صد نفری که برای گلخانه مجوز گرفتند، وام گرفتند بعد اعلام ورشکستگی کردند و شاید سه چهار نفر بودند که توان فنی داشتند یا انشالله دیگر با مدیریت که انجام می‌شود این موارد تکرار نشود. از حضورتان سپاسگزارم.

دکتر فرید علی دهستانی، کارشناس محیط زیست، در گفت‌وگو با خبرنگار گلشن، اظهار کرد: ما در استان گلستان کلکسیون خاک های ایران است. میشود توضیحی از خاک های گلستان در اختیار خوانندگان بگذارید؟

ما در دنیا دوازده رده ی خاکی را داریم. بعضی از اینها در ایران وجود ندارد، مثل خاک های یخچالی یا آتشفشانی. ما در ایران هفت رده ی خاکی داریم که در استان گلستان هر هفت رده را داریم یعنی گلستان کلکسیون خاک های ایران است همه ی این رده ها که در کل کشور پراکنده است مثلاً استان اصفهان دو رده فارس سه رده دارد گلستان حاصلخیزترین دشت ها را دارد، حیفاست ما از این جهت باید به موضوع خاک توجه کنیم که استانی هستیم که می‌توانیم جزو بهترین بنگاه های تولید در کشور باشیم اگر عالمانه انجام بدهیم مثلاً رفتن به سوی کشت های گلخانه ای متمرکز نه کوچه و کم بازده. برای نمونه عرض می‌کنم در سال ۸۳ سفری یک ماهه به چین داشتم برای اولین دوره کشاورزی در محیط حفاظت شده. آنگاه متوجه شدم که یکی از راههای ایجاد درآمد و اشتغال در استان سرمایه گذاری و تمرکز در زمینه ی گلخانه هاست. حرکت های نمادینی شروع شد ولی هیچ کدام به عرصه نرسید، در روستایی در چین بازدید داشتیم از یک بخش یا کانتی که ده بزرگتر و از شهر کوچکتر است، ۹ هزار هکتار گلخانه وجود داشت. آن موقع کل گلخانه های ایران ۱۵۰۰ هکتار بود من سوالم این بود که عرضه و تقاضا قیمت را تعیین میکند، سوال کردم که با این تولید گوجه و خیار، قیمت به صفر نمی‌رسد خندید و گفت ما از طریق اتحادیه ای که داریم و سورت و سپس سیستم ریلی به ترکمنستان و افغانستان و بسیاری از این کشورهایی که تازه استقلال یافته اند صادر میکنیم و به دلار پول می‌گیریم. در آن زمان ۸۵ درصد گلخانه های دنیا از چینی ها بود و از این منفعت اقتصادی زیادی بردند. آن زمان ما می‌توانستیم اینجا سرمایه گذاری کنیم در اراضی کم بازده که داریم با مقدار مصرف کم آب و نور که زیاد داریم در اراضی شمالی و گیاه به چهار عنصر نیاز دارد آب هوا نور غذا. ما می‌توانستیم اینجا پایلوت هایی اشتغال زای بسیار خوبی داشته باشیم و درآمدهای کلان ایجاد بکنیم و استان ما را تبدیل کنند به استان ثروتمند کشور، ولی متأسفانه نشد. الان به شکل محدودی کارهای خوبی انجام می‌شود ولی باز هم آن نقشه راهی که باید باشد، هنوز هم وجود ندارد. هرکسی اولین بار که وامی داده می‌شود گلخانه گوجه و خیار می‌زند و می‌بیند که به بازار نمی‌خورد، ورشکستگی اعلام می‌کنند و داستانهایی که تکرار شده و در حالی که می‌بینید کسی که عالمانه این کار را کرده با مساحتی کمتر از هزار متری یک خانوار پرجمعیت را به راحتی می‌تواند ارتزاق کند و از لحاظ اقتصادی تامین شود. این کار شدنی است ولی اگر درست برنامه ریزی و هدایت نشود همین است که بررسی کنید از چند صد نفری که برای گلخانه مجوز گرفتند، وام گرفتند بعد اعلام ورشکستگی کردند و شاید سه چهار نفر بودند که توان فنی داشتند یا انشالله دیگر با مدیریت که انجام می‌شود این موارد تکرار نشود. از حضورتان سپاسگزارم.

کنیم و بیش از حد فشار نیاوریم اینکه عرض کردم سطح سفره های آبی ما شصت هفتاد و گاهی هشتاد متر افت کرده هر عزیزی که دست اندر کار باشد برایش قابل لمس است و چیز پیچیده ای نیست و هیچ کسی تضمین نداده که با همین حجم برداشت آب، آب شور نشود مگر چقدر فاصله داریم، این طبیعی است و اگر این اتفاق با سیاست ها اصلاح نشود و همین رویه ادامه پیدا کند، اتفاق خواهد افتاد. شاید ما دوست نداشته باشیم این اتفاق راه ولی از یک جایی شروع می‌شود و در برخی جاها اخطار داده

را دید. در طول سال که بیشتر هم می‌شد ولی الان به جز دو ماه در سال آن هم به صورت سیلابی آبی نمی‌بینید این یک مثال است شاید سرشاخه هایی مثل شصت کلا فراوان بودند که به قره سو و گرگان رود می‌ریختند همه ی اینها را امیدیم با انواع آب بندان ها آب را از آن اکوسیستم گرفتیم و آن تغییر را ایجاد کردیم وقتی آبی که سهمیه ی حق ابه ای نانوشته ی آن جا بوده را حذف کردید، طبیعی است که این اتفاق می‌افتد آن باد دایمی که بالاخره ما داریم از دریا به خشکی، این دانه ها که بسیار ریز هم هستند و به واسطه ی نوع ترکیب شیمیایی که دارند چسبناکی لازم را هم ندارند و منفردند را به حرکت در می‌آورند.

این مطلبی که شما می‌گویید شبیه افسانه ها و داستان هاست؟

بله این شبیه افسانه است اما واقعیت است، آیندگان شاید ما را لعنت کنند که چرا آن روزی که می‌دانستیم هشدار نادیدیم و پیگیر نبودیم و اتفاقی که می‌افتد شبیه خوزستان است به واسطه ی خشک کردن هوزالطیم بحالا مصنوعی یا طبیعی، ریزگرد داریم، بعد می‌بینیم بعد از دو سه روز چون کوهی در برابر خوزستان نیست و این گرد و غبار به سمت خلیج فارس می‌رود و در کشور های دیگر خالی می‌شود. ولی اینجا البرز وجود دارد، رشته کوهی دوهزارمتری در برابرمان است، در فاصله ی خیلی کم و این ریزگردها در اینجا انبار می‌شود و راه گریز ندارد و ما را خفه خواهد کرد. بعضی از خوانندگان ممکن است گفته های ما را توهم بدانند اما نکته ای از من عرض کنم که کامل کننده ی این موضوع است در سراسر اراضی استان تپه هایی داریم که به آن ها می‌گویند لس. تپه های لسی تپه هایی هستند که در دوران سوم زمین شناسی از صحرای گوبی و بیابان مرکزی چین و مغولستان بادهای تند و وزیده شده و این ذرات ریز را از آنجا آورده به اینجا و خورده به این رشته کوهها و نتوانسته عبور کند و همینجا نشسته است، در بعضی از جاها شما می‌توانید این لس ها را ببینید، ارتفاع همین گلدن تاریکی در اطراف گرگان لایه هایی از خاک لس را می‌توانید ببینید، ممکن است پنجاه متر ارتفاع داشته باشند اما یک دانه سنگ ریزه در آنها وجود ندارد. ی معنی آن این است که خاک اینجا بوجود نیامده است، چون در حالت عادی خاک از سنگ بوجود می‌آید پس این خاک از جای دیگری آمده است و اینجا نشسته است و هر چه آن موقع آبادانی بوده پای کوه از بین رفته است. منظور این است که این اتفاق دور از ذهن نیست که میلیونها تن غبار از جایی دور دست آمده و اینجا نشسته است و هیچ بعید نیست در سالهای آینده اگر ما تعادلات اکولوژیکی را توجه نکنیم دوباره به این بلا دچار شویم. مطمئن باشید به پاکیزگی محیط ما خسارت های جبران ناپذیری وارد می‌کند. به عنوان یک کارشناس عرض می‌کنم که ما بایستی به طبیعت احترام بگذاریم و اجازه ندهیم به خاطر بهره برداری های کوتاه مدت و بعضاً منفعت محور جامعه آینده مان را با خطر مواجه کنیم.

شما گفتید که یک دهه تا فاجعه فاصله داریم یعنی اگر برنامه ریزی هایمان این گونه باشد آب را اینطور استفاده کنیم و با خاک و جنگل نامهربان باشیم خیلی دور از ذهن نیست آب شور شود، طوفان بلند شود و ریزگرد بیایند، باید چه کار کنیم؟

در اینکه این تحقق پیدا خواهد کرد؟ بله اگر با همین فرمان پیش برویم حتماً تحقق خواهد یافت. اگر به فکر باشیم، نمی‌توانیم خودمان را کنار بکشیم و توپ را در زمین دیگران بیندازیم، اما اگر اراده بر این

کلزای علوفه‌ای

انتخاب هوشمندانه بخش دامپروری



ویژگی زراعت کلزای علوفه‌ای، افزودن استفاده از آب سبز و نداشتن آفت و بیماری از ویژگی زراعت این محصول پاییزه در استان به شمار می‌رود و هزینه تامین آب و مقابله با آسیب در برابر کشت سایر فرآورده‌های کشاورزی کم می‌شود. وی رعایت تناوب کشت موثر، برداشت زودهنگام، کیفیت تغذیه کلزای علوفه‌ای، سیلوپذیری بودن و داشتن پروتئین مطلوب راز دیگر ویژگی سرمایه‌گذاری در کشت کلزای علوفه‌ای برشمرد.

معرفی ارقام جدید کلزای علوفه‌ای برای زراعت از سوی محققان گلستان

صابری خاطر نشان کرد: ارقام جدید کلزا علوفه‌ای از سوی محققان این استان آماده شده و می‌توان در استان‌های گلستان، مازندران و گیلان آن را کشت کرد. وی ادامه داد: کلزای علوفه‌ای در مقایسه با کلزای خوراکی صرفه بیشتری برای بهره‌برداران دارد چون کشت نیاز آبی این محصول با آب باران تامین می‌شود درحالی است که کشت گندم و کلزای معمولی به آبیاری تکمیلی نیاز دارد. وی از گسترش طرح آزمایشی کشت کلزای علوفه‌ای در گلستان در سال کشاورزی جاری خبر داد و گفت: در سال کشاورزی جاری طرح آزمایشی کشت کلزای علوفه‌ای با ارقام جدید در ۱۲ شهرستان گلستان به اجرا در خواهد آمد. صابری در

گران بودن نهاده‌های دامی و دسترسی دشوار دامداران به علوفه، یکی از دلایل قیمت تمام‌شده بالای گوشت قرمز و همچنین به‌صرفه‌نبودن فعالیت در این بخش برای بهره‌برداران است که توجه به کشت محصولات ارزان‌تر همراه با نیاز آبی کم مانند کلزای علوفه‌ای، می‌تواند نقش به‌سزایی در تامین بخشی از نیاز تغذیه صنعت دامپروری و پایبندی تولید داشته و برای بهره‌برداران منطقه سودآور باشد. به گزارش ایرنا، کلزای علوفه‌ای به‌عنوان یکی از محصولات راهبردی در بهبود نظام‌های زراعی و تغذیه دام، توجه محققان و کشاورزان را به خود جلب کرده و با نگاه به آینده صنعت کشاورزی و دامپروری، این گیاه به عنوان یک گزینه چندمنظوره برای بهینه‌سازی کشاورزی و بیشترشدن بهره‌وری دام در حال گسترش است. ۳۷۰ هزار هکتار فعال صنعت دامپروری گلستان در سال‌های اخیر به دلایلی از جمله خشکسالی و بیشترشدن قیمت نهاده‌های دامی، در تامین خوراک دام دچار مشکل هستند که سرمایه‌گذاری در کشت کلزای علوفه‌ای می‌تواند بخشی از نگرانی دامداران را برای تامین تغذیه دام کم کند. گلستان جایگاه ویژه‌ای در تامین امنیت غذایی کشور دارد و بخش دامپروری استان در شرایط عادی و به دور از خشکسالی، حدود ۶۵ درصد از نیاز پروتئین کشور را تامین می‌کند. طبق داده‌های آماری مسولان جهادکشاورزی گلستان، در این استان شمالی یک میلیون و ۳۶۰ هزار راس دام سبک و ۳۵۰ هزار راس دام سنگین در این استان برای پرورش وجود دارد که از محل پرورش آن سالانه ۳۰۰ هزار تن شیر خام و ۲۹ هزار تن گوشت قرمز تولید می‌شود. یک محقق مرکز تحقیقات، آموزش، کشاورزی و منابع طبیعی گلستان درخصوص زراعت کلزای علوفه‌ای در استان گفت امکان گسترش کشت کلزای علوفه‌ای در استان وجود دارد ولی نیازمند سرمایه‌گذاری است. رضا صابری افزود: رقم «پُراست» کلزای علوفه‌ای برای زراعت در زمین‌های کشاورزی استان مناسب است و بهره‌برداران می‌توانند زمین‌های خود را به این کشت اختصاص دهند. وی ادامه داد: زمان کاشت این رقم همانند کلزای معمولی در گلستان بسته به شرایط اقلیمی از اوایل آبان صورت می‌گیرد علاوه بر این می‌توان کشت کلزای علوفه‌ای را در زمین‌های لب شور انجام داد. به گفته وی عملکرد کلزای علوفه‌ای پُراست، در هر هکتار از اراضی شمال استان (آق قالا)، ۶۰ تن علوفه تر و ۱۰ تن علوفه خشک بوده و در هر هکتار مناطق جنوبی استان (علی‌آبادکتول و گرگان) ۷۰ تن علوفه تر و ۱۱ تن علوفه خشک می‌توان برداشت کرد. صابری در خصوص

خصوص ناهمگونی (تفاوت) درآمد کشت کلزای علوفه‌ای با کلزای معمولی، افزود: کشت این محصول دامی با کلزای معمولی یکسان است و فرق آن نیاز نداشتن به آبیاری و نبود بیماری و برداشت زودهنگام است. وی تاکید کرد: دامداران استان گلستان برای زراعت کلزای علوفه‌ای پای کار آمده و با بستن قرارداد با بهره‌برداران، از مزایای آن در تامین تغذیه پرورش دام استفاده کنند.

کشت کلزای علوفه‌ای گام بزرگ بهبود زراعت و تغذیه دام

متخصص تغذیه دام و محققان مرکز تحقیقات آموزش، کشاورزی و منابع طبیعی گلستان هم در خصوص فواید کلزای علوفه‌ای در تغذیه دام گفت: این گیاه علوفه‌ای از جمله منابع غذایی با ارزش برای دام بوده و حاوی مقدار بالایی از پروتئین با کیفیت است. غلامعلی هلاکو افزود: یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد کلزای علوفه‌ای، محتوای بالای اسیدهای چرب امگا ۳ و امگا ۶ بوده و به بهبود سلامت قلب و سیستم ایمنی دام‌ها کمک می‌کند و فیبر موجود در آن نیز به هضم بهتر غذا و بهبود عملکرد گوارشی دام‌ها منجر می‌شود. وی ادامه داد: استفاده از کلزای علوفه‌ای به عنوان یک جیره غذایی تمام‌کننده برای دام، علاوه بر کم کردن هزینه تغذیه‌ای، باعث بیشترشدن تولید شیر و بهبود کیفیت گوشت در دام‌های پروری می‌شود. همچنین، این گیاه توانسته است میزان چربی‌های ناسالم در گوشت را کم کرده و گوشت با کیفیت‌تری تولید کند. محقق مرکز تحقیقات آموزش، کشاورزی و منابع طبیعی گلستان تاکید کرد که کلزای علوفه‌ای انتخاب هوشمندانه‌ای برای دامداران است که می‌تواند علاوه بر بهبود وضعیت تغذیه‌ای دام‌ها، به بیشترشدن بهره‌وری و سودآوری در دامپروری کمک کند. گلستان با داشتن ۶۶۷ هزار هکتار زمین کشاورزی از قطب‌های مهم تولید محصولات کشاورزی به ویژه دانه روغنی کلزا به شمار می‌رود و به گفته کارشناسان دانه‌های روغنی با توجه به شرایط جوی مساعد، ظرفیت کشت سالانه ۵۵ تا ۷۰ هزار هکتار دانه روغنی را دارد. کلزا یکی از بهترین گیاهان دانه روغنی برای زراعت به شمار می‌رود و کشت آن به ۲ صورت پاییزه و بهار صورت می‌گیرد که زراعت پاییزه آن در استان گلستان به دلیل استفاده از آب سبز و تناوب زراعی معقول بوده و سالانه بیشترین سطح زیرکشت را در میان استان‌های کشور به خود اختصاص می‌دهد.

شعر

گزین گوپه‌هایی از مهدی فاضل



۱
بگذار دروغ بگوید، بگذار با کردار خود
تو را شکفت زده کند و در فکر فرو برد
پنهان‌کاری کند و ناشناخته‌های درونی خود
را داشته باشد؛ با اصرار ورزیدن بر شفاف
شدن تمام ابعاد روح او، زمینه‌ساز ایجاد
عیوب و گناهانی بزرگ‌تر در او خواهد شد.

۲
برای خواهش کردن از او باید بتوانی به‌راستی
به خود ببالی، اگر نیاموزی چگونه می‌توان به
پای کسی افتاد بی‌آنکه خدشه‌ای به غرور ناب
آدمی وارد شود، هرگز او را به‌دست نخواهی آورد.

۳
هیچ کلامی به ما چیزی چندان نمی‌آموزد
اگر درنیابیم که هنر آموختن بشود، خود
مسئله‌ای قابل بررسی در ساحت زبان است.

۴
هنوز چیزی شبیه به تو، هرچه شبیه به مرا در
من طرد می‌کند.

۵
نیاز به جایی در وجود تو دارم برای حس کردن
وجود نداشتن بسپار

۶
«مودی بودن» در حقیقت مسئله‌ای اثبات
در-زمان-جاری-بودنِ خویشتن است، به همین
سبب می‌تواند به سان پدیده‌های اخلاقی
تفسیر شود.

آگهی‌بندی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده

۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳۰۳۱۲۰۰۰۵۷۷ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه با معارض متقاضی آقای / خانم عبدالعظیم قلیچ زاده فرزندان او ایلی بشماره شناسنامه ۱۷۹۴ صادره از گنبد بشماره ملی ۴۸۱۹۶۸۶۲۳۶ در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۷۶۹ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۳ - اصلی (قطعه ۱۹۰) واقع در اراضی قریه قره شور بخش ۹ حوزه ثبتی شهرستان کلاله خریداری بلاواسطه از مالکان رسمی آقای/خانم وراث مرحوم آق ایلی قلیچ زاده محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۷/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۳/۰۸/۱۲
بهمن سارلی - رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله م الف ۱۱۲۳۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳

آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳۰۳۱۲۰۰۰۶۷۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ - موضوع کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۰۰۵۷۸ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گنبدکاوس تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای/ خانم کمال بهلکه‌ئی فرزند تقی در شش‌دانگ یک قطعه زمین احداث بنا شده قطعه اول به مساحت ۶۲/۳۵ مترمربع و قطعه دوم به مساحت ۱۱/۴۰ مترمربع، قطعه اول جدا شده از پلاک ۳۷۰۶ فرعی ۱ اصلی و قطعه دوم جدا شده از پلاک ۴۹۰۶ فرعی از ۱ اصلی واقع در گنبدکاوس خیابان بلال حبشی ۱۶ متری آرمان بخش ۱۰ حوزه ثبت ملک گنبد انتقال ملک مع واسطه از قطعه اول از قربان محمد مشرفی و قطعه دوم از وراث اق ایلی قورچانی. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲
هادی عطائی مقدم - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گنبدکاوس - از طرف عبدالغفور گوگلاتی م الف ۱۱۰۰۷

آگهی اختصاصی قانون تعیین تکلیف وضعیت

ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی سال ۱۴۰۳

در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ - آیین نامه اجرایی قانون مزبور مقرر می‌دارد که پرونده‌هایی که به موجب آراء هیات محترم مستقر در ثبت اسناد و املاک رامیان منجر به صدور رأی جهت صدور سند مالکیت گردیده‌اند در دو نوبت و به شرح ذیل آگهی می‌شود:
۱- رأی شماره ۱۴۰۳۰۳۱۲۰۰۰۰۴۲۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ در پرونده کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۱۲۰۰۰۰۰۲۹۷ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای محمد نارویی فرزند حسین مینی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع در قسمتی از پلاک ۴۲۷ فرعی از ۲- اصلی واقع در استان گلستان شهرستان رامیان شهر دلد بخش ۷ حوزه ثبتی رامیان که انتقال ملک مع واسطه از مالک رسمی (محمد رسول آبادی).
در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از اولین تاریخ انتشار آگهی و در روستا‌ها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را کتبا با ذکر کلاسه پرونده به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک رامیان تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورت عدم وصول اعتراض این اداره وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. صدور سند مالکیت جدید مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ (چهارشنبه) تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ (شنبه)
مجتبی گلچین- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک رامیان م الف ۱۱۱۸۶

به بهانه روز جهانی عصای سفید

خسته از چشمان بسته



براساس آمارهای اعلام شده، استان گلستان با رشد ۲.۷ درصدی معلولیت در بین استان های کشور در جایگاه هفتم ایستاده و رشد معلولیت در گلستان حدود ۵۰ درصد بیشتر از میانگین کشور است

این تعداد نیز ۱۴۴ نفر به چشم پزشک ارجاع داده شده و تحت درمان قرار گرفتند. معاون پیشگیری اداره کل بهزیستی گلستان خاطرنشان کرد: پس از انجام غربالگری، ۲۲ کودک دارای اختلالات بینایی به صورت رایگان تحت عمل جراحی قرار گرفتند.

● وراثت در صدر بروز اختلالات بینایی

اپتومتریست بیمارستان بندرگز نیز با اشاره به علل بروز اختلال بینایی در افراد به ویژه نابینایی گفت: ریشه اصلی نابینایی و بیماری های چشمی به مسائل ژنتیکی و دوران جنینی مرتبط است. عبدالحسین اسلامی با اشاره به اینکه دوران نوزادی و کودکی دوران طلایی برای درمان و رفع بیماری ها و عیوب چشمی به شمار می رود، تصریح کرد: گاهی اوقات کودک با بیماری آب مروارید مادرزادی متولد می شود که اگر به موقع تشخیص و درمان نشود منجر به نابینایی می شود و چشمان آن کودک دیگر کارایی نخواهد داشت. وی بیان کرد: برخی کودکان نیز به طور مادرزادی، نابینا به دنیا می آیند و با وجود سلامت ظاهری چشم اما قدرت بینایی ندارند که این سختی، درمان ندارد. برخی کودکان نیز با ضعف بینایی خیلی بالا به دنیا می آیند که اگر به موقع عینک تجویز نشود بینایی خود را دست می دهند. اپتومتریست بیمارستان بندرگز گفت: با توجه به شایع بودن بیماری های چشمی در دوران طفولیت و افزایش احتمال درمان آن، طرح غربالگری تبلی چشم توسط سازمان بهزیستی اجرا می شود تا کودکان دارای ضعف بینایی بالا بتوانند بهبود پیدا کنند.

● زیاده روی در مصرف هویج ممنوع

اسلامی تاکید کرد: افزون بر نقش ژنتیک و علت مادرزادی، برخی از ضعف های بینایی به دلیل ضربه به چشم ایجاد می شود. تغذیه، مسائل محیطی و ضربه، حوادث و کهولت سن موجب ضعف بینایی در افراد می شود گرچه بسیاری از ضعف های بینایی ژنتیکی است که در سنین بالا خود را نشان می دهد. وی با بیان اینکه ضعف بینایی درمان ندارد اما با عینک کنترل می شود، تصریح کرد: جراحی هایی مانند لیزیک، لازک و آر ال ای (RLE) در رفع مشکلات چشمی موثر است. اپتومتریست بیمارستان بندرگز با بیان اینکه بروز برخی بیماری های چشمی مانند آب سیاه هم زمینه ژنتیک دارد، گفت: مرکز چشم پزشکی بندرگز یکی از مراکز شاخص استان گلستان است که خدمات گوناگونی را به گلستانی ها ارائه می کند. اسلامی از وجود دستگاه های پیشرفته برای درمان آب مروارید در بخش چشم بندرگز خبر داد و افزود: در ماه های گذشته، یک کودک مبتلا به آب مروارید پس از عمل جراحی از نابینایی قطعی نجات پیدا کرد. وی با تاکید بر اینکه زیاده روی در مصرف برخی مواد غذایی مانند هویج به درمان بیماری های چشمی کمک نمی کند، تصریح کرد: پرخوری و کم خوری هر دو انسان را بیمار می کند، یکی از والدین برای درمان ضعف بینایی فرزندش، هر روز چند لیوان آب هویج به او می داد حال آنکه این کار تأثیری در درمان بیماری فرزندش نداشت. شنیدن صدای نابینایان و درک مطالبات به حق آنان برای دستیابی به یک زندگی سالم پویا و شکوفا، مهم ترین پیام روز جهانی عصای سفید است و کمترین انتظار روشن دلان شنیده شدن صدای عدالت خواهی و برابری اجتماعی آنان است. حق دسترسی کامل به امکانات آموزشی، بهداشتی و سلامت، تردد ایمن در فضای شهری و مشارکت فعالانه در عرصه های سیاسی و اجتماعی مطالبه جدی نابینایان از مدیران است.

● رتبه هفتم گلستان در نرخ رشد معلولیت

براساس آمارهای اعلام شده، استان گلستان با رشد ۲.۷ درصدی معلولیت در بین استان های کشور در جایگاه هفتم ایستاده و رشد معلولیت در گلستان حدود ۵۰ درصد بیشتر از میانگین کشور است. در حالی که نرخ رشد معلولیت در کشور تنها ۱.۶ درصد است اما این شاخص در استان به ۲.۷ درصد رسیده و همین مساله مسوولان و دستگاه های متولی را برای شناسایی علل این مساله و انجام اقدامات پیشگیرانه هوشیارتر کرده است. معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی گلستان رعایت نکردن موارد بهداشتی، ازدواج فامیلی و تنوع قومیتی را از علل افزایش معلولیت در استان برشمرد و گفت: از ۵۸ هزار نفر معلول در گلستان، ۹ هزار و ۲۰۰ نفر نابینا هستند. فاطمه فتحی با اشاره به ارائه خدمات مستمر به نابینایان توضیح داد: پرداخت مستمری، کمک هزینه معیشت و ارائه خدمات غیرمستمر مانند کمک هزینه تحصیلی، دانشجویی، ایاب و ذهاب، وسایل کمک توانبخشی، اشتغال و مسکن از جمله خدماتی است که به نابینایان و کم بینایان زیر پوشش بهزیستی ارائه می شود. وی از فعالیت انجمن کم بینایان و نابینایان در شهرهای گرگان و گنبدکاووس خبر داد و یادآور شد: همچنین یک مرکز روزانه توانبخشی آموزشی ویژه افراد کم بینا و نابینا در شهر گرگان وجود دارد که خدمات مختلف توانبخشی، روانشناسی، هنری و ورزشی را به نابینایان ارائه می کند. معاون توانبخشی اداره کل بهزیستی گلستان به گلابه برخی نابینایان از ظفره دستگاه های اجرایی به قانون جذب معلولان واکنش نشان داد و گفت: یکی از علل این مساله ناشی از ضعف های قانونی است، برای مثال قانونگذار باید بین اشتغال معلولان شدید و غیرشدید در برخی شغل ها تمایز قائل شود، در آزمون اخیر استخدامی ویژه معلولان، با استخدام فرد نابینایی مطلق که نمره قبولی آزمون استخدامی آموزگار ابتدایی را کسب کرد موافقت نشد و نگاه کارشناسان این بود که استخدام معلم نابینایی مطلق در مقطع ابتدایی، هم برای دانش آموزان و هم معلم سخت می شود. وی با بیان اینکه برخی قوانین در استخدام معلولان نیازمند بازنگری و اصلاح است، تصریح کرد: اشتغال یکی از چالش های اصلی روشن دلان است، در حال حاضر دستگاه های اجرایی شغل هایی مانند اپراتور تلفن و یا ماشین نویسی ندارند و همین مساله جذب نابینایان و کم بینایان را دچار چالش کرده است. اما با توجه به نرخ بالای معلولیت در گلستان برنامه های مختلفی در راستای افزایش آگاهی عمومی در خصوص بیماری های چشمی دوران کودکی و نیز افزایش سطح مراقبت های چشمی در بیماری هایی مانند آمبلیوپی و عیوب انکساری در استان انجام می شود.

● جراحی رایگان ۲۲ کودک دارای اختلالات بینایی در گلستان

معاون پیشگیری اداره کل بهزیستی گلستان در این باره اظهار کرد: در حال حاضر برنامه غربالگری بینایی با استفاده از دو روش E چارت و دستگاه غربالگری عیوب انکساری در سه سطح توسط غربالگر، اپتومتریست و چشم پزشک در تمامی مناطق شهری و روستایی و در همه ایام سال انجام می شود. لیلا ابطحی ادامه داد: ابتدا والدین کودک را برای معاینه به پایگاه های سنجش بینایی می آورند که کودک در سطح اول پس از غربال توسط ابزارهای مورد تایید، در صورت نیاز به اپتومتریست ارجاع می شود و در سطح سوم در صورت نیاز به چشم پزشک مراجعه می کند. به گفته وی؛ در سال قبل ۹۸ هزار و ۱۷ کودک گلستانی معادل ۸۴ درصد غربالگری چشم شدند که از این تعداد هزار و ۷۵۵ نفر به اپتومتریست مراجعه کرده و از

پشت چشمان بسته، گویا دنیا را زیبا و روشن تر می بینند اما از شنیده شدن سدا (صدا) خسته و نگرانی هایشان، دل پردردی دارند؛ نابینایان بهره مندی از آسایش را خواسته خود می دانند و معتقدند مسوولان باید عصای دست و مردم چشم بینایی آنان باشند. به گزارش ایرنا، در چشم آنان جهان، نقش دیگری دارد گرچه از چشم سر نمی بینند اما به معنای آن نیست که مشکلات را نادیده بگیریم و به آسانی از کنار نگرانی های آنان عبور کنیم. روز جهانی عصای سفید مانند پرچمی بین ۳۱۵ روز سال برافراشته شده تا به خود بباییم و دست مهربانی را به سوی کسانی باز کنیم که تکیه گاهشان عصای سفید است. ۱۵ اکتبر روز جهانی عصای سفید دستاویز قشنگی است تا بیش از گذشته به روشن دلان توجه کنیم؛ کسانی که گرچه از بینایی بی بهره هستند اما نشان دادند در بسیاری از میدان های فرهنگی، اجتماعی و ورزشی گنجایش زیادی برای کامیابی دارند. اما همه این توانایی ها انگیزه مناسبی نیست که بپردازیم روشن دلان بدون سختی در حال زندگی هستند؛ از مبلمان شهری تا کار و آموزش و پیوند زناشویی از چالش هایی است که متولیان باید برای آن چاره اندیشی کنند و در کنار قشر نابینا و کم بینای جامعه بایستند.

● روشن دلان در حصار مشکلات

مدیرعامل انجمن نابینایان هم اندیش نور گرگان با بیان اینکه نابینایان با چالش های زیادی دست و پنجه نرم می کنند، اظهار کرد: چالش های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و شغلی از مهم ترین سختی های نابینایان است. طاهره اقبالی تصریح کرد: یکی از مطالبات جدی ما، حمایت بیشتر مسوولان از جامعه نابینایان است که انتظار می رود مسوولان بیشتر پای کار بیایند اما در عمل چنین اتفاقی نمی افتد. وی با بیان اینکه مبلمان شهری برای افراد دارای اختلال بینایی مناسب نیست، یادآور شد: معلولان از جمله نابینایان و کم بینایان خواستار شرایط برابر اجتماعی مانند استفاده بدون سختی از کوچه و خیابان هستند اما برخی دشواری ها مانند نامناسب بودن مبلمان شهری، کامل نبودن موزائیک مخصوص نابینایان، پایان مسیر عبور نابینایان در خیابان های اصلی به جوی آب، دیوار و مانند آن، گرفتاری هر روزه نابینایان برای حضور در اجتماع است. مدیرعامل انجمن نابینایان هم اندیش نور گرگان تاکید کرد: زیبایی رنگ زندگی روشن دلان به عملکرد جامعه بستگی دارد که چطور حقوق افراد دارای اختلال بینایی را به رسمیت بشناسند. اقبالی گفت: یکی از محورهای کار انجمن نابینایان هم اندیش نور گرگان ایجاد کار و آموزش زبردستی به افراد مبتلا به اختلال بینایی است که تاکنون تعدادی از روشن دلان در دستگاه های اجرایی استخدام شده و برخی نیز پس از فراگیری چیرگی (مهارت) در بخش صنایع دستی مشغول به کار شدند. وی از کارشناسی برخی دستگاه های اجرایی در استخدام معلولان گلانه کرد و گفت: با وجود آنکه مطابق ماده ۱۵ قانون حمایت از حقوق افراد معلول دولت مکلف است حداقل سه درصد از مجوزهای استخدامی دستگاه های دولتی و عمومی را به معلولان واجد شرایط اختصاص دهد اما برخی دستگاه های اجرایی به این قانون عمل نمی کنند. مدیرعامل انجمن نابینایان هم اندیش نور گرگان به آزمون استخدامی ویژه معلولان اشاره کرد و توضیح داد: بیشتر کم بینایان گلستانی که در آزمون استخدامی ویژه معلولان موفق به کسب نمره و قبولی با امتیاز بالا شدند به دلیل کم بینا بودن با استخدام آنها موافقت نشد. اقبالی با بیان اینکه آزمون استخدامی معلولان هیچ مشکلی از نابینایان و کم بینایان گلستان حل نکرد، تصریح کرد: مسوولان باید با دقت نظر بیشتری اقدام به برگزاری چنین آزمون هایی کنند.